

احسان موحدیان، کارشناس مسائل قفقاز در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

ناتو به دنبال روسیه‌زدایی در قفقاز جنوبی است



فاطمه برومانکی خبرنگار جهان شهر

هنوز تبعات تلاش برای عضویت اوکراین در پیمان آتلانتیک شمالی ادامه دارد که این ائتلاف به دنبال یارگیری در قفقاز جنوبی است. ارمنستان یکی از کشورهایی است که به نظر می‌رسد ناتو علاقه‌مند به عضویت آن در ائتلافش است. عضویت در ناتو مزایایی برای ایروان دارد و از همین رو پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان در شرایطی که کشورش در برابر هر حمله نظامی آذربایجان یا ترکیه تقریباً ناتوان است، خواهان باز کردن پای ناتو به کشور است. نزدیکی به ناتو و پیوستن به آن یک معنای ویژه دارد و آن دوری از روسیه و پایان قفقاز جنوبی به عنوان حیاط خلوت مسکو است. حضور ناتو در ارمنستان برای ایران نیز تبعات امنیتی احتمالی در پی خواهد داشت. از این رو تهران به ایروان درباره ناتو هشدارهایی داده‌است. احسان موحدیان، کارشناس مسائل قفقاز معتقد است ایران باید به ارمنستان برای رفع دغدغه‌هایش در حوزه تمامیت ارضی کمک کند. او معتقد است اگر ارمنستان برای ایران حفظ شود، سنگر مهمی برای جلوگیری از تبدیل کل منطقه قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی به مجموعه کشورهایی است که در پارز ناتو و ترکیه بازی می‌کنند. او می‌گوید ایران به تنهایی می‌تواند از نفوذ ناتو در منطقه جلوگیری کند. متن گفت‌وگو با این کارشناس سناال قفقاز را در ادامه می‌خوانید.

■ ■ ■

در روزهای اخیر پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان دیداری با آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا و فونده‌لین رئیس کمیسیون اروپا در بروکسل مقر اتحادیه اروپا داشته‌است. غرب پیش از این نیز به شکل علنی تلاش کرده بود از رهگذر حمایت از ارمنستان ورود خود به مناسبات قفقاز را پررنگ‌تر سازد. اقداماتی مانند سفر نانسی پلوسی رئیس وقت مجلس نمایندگان آمریکا به ارمنستان و برگزاری رزمایش مشترک و حمایت‌های سیاسی به همراه فرانسه نمونه‌ای از این تحرکات هستند. این درحالی است که تحرکات آذربایجان نیز تحت‌مدیریت غرب تلقی می‌شود.

این پیچیدگی و تضاد چگونه قابل تحلیل است؟

در مورد حمایت‌های ناتو از ارمنستان و البته حمایت‌هایی که از جمهوری آذربایجان و گرجستان هم دارد، باید به یک نکته توجه داشته باشیم. ما باید این کشورها را در یک قالب و دسته درکنار هم ببینیم، یعنی اگر به صورت مجزاتحلیل کنیم، درک درستی به دست نمی‌آوریم. باید توجه داشته باشیم که مقام‌های ناتو و آمریکا هرکدام هر وقتی که به منطقه می‌آیند به هر سه کشور سفر می‌کنند، یعنی می‌خواهند این کشورها را با مواضع خودشان هماهنگ کنند. همچنان اگر دقت کنید، هر وقتی که دبیرکل ناتو به منطقه می‌آید، اول به آذربایجان و بعد به گرجستان و ارمنستان می‌رود. در مورد نماینده ویژه ایران هم در وزارت خارجه آمریکا دیدیم وقتی به منطقه می‌آید، به هر سه کشور سفر می‌کند، لذا این کشورها یک بسته کلی است. هدف هم مشخص است. هدف از این سفرها این است که به‌آهستگی در منطقه قفقاز جنوبی جای پاییی باز کند. با این مساله، نفوذ و حضور ناتو پررنگ‌تر می‌شود. اینکه بعد از هرکدام از این سفرها شاهد یک‌سری اقدامات تروریستی و ضدامنیتی علیه کشورهایی هستیم که ناتو می‌خواهد با آن مقابله کند، تصادفی نیست. چنانچه شاهد بودیم، چند روز بعد از سفر دبیرکل ناتو، حادثه تروریستی مسکو اتفاق افتاد. بعد از سفر نماینده ویژه ایران در وزارت خارجه آمریکا هم حمله تروریستی صهیونیست‌ها به سفارت جمهوری اسلامی ایران در دمشق رخ داد و با این اتفاق دور تازه‌ای از ناامنی‌ها به وجود آمد.

آنان در پی این هستند که در این سه کشور قفقاز جنوبی جای با ایجاد و نفوذ روسیه را تضعیف‌کنند، یعنی هدف اصلی روسیه است. در وهله بعدی درکنار هدف قرار دادن روسیه، حیاط خلوت جدیدی برای تضعیف جمهوری اسلامی ایران و ضربه زدن به منافع ملی ایران هم ایجاد کنند. اهداف گسترده‌ای اعم از سیاسی، اقتصادی، امنیتی و حتی فرهنگی از این حضور توسط آمریکایی‌ها و ناتو در منطقه دنبال می‌شود. لذا پیچیدگی و تضادی وجود ندارد.

این سه کشور را ناتو، آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها در قالب یک بسته کامل باهم تعریف کرده‌اند و به دنبال روسیه‌زدایی از هر سه آنها هستند. حالا این روسیه‌زدایی در گرجستان و جمهوری آذربایجان بیشتر است، چون سابقه تمرین‌های نظامی ناتو در این کشورها بیشتر بوده است. در مرحله بعد، با اقدامات کمتر و ضعیف‌تر به دنبال این هدف در ارمنستان است. بالاخره در پی این هستند که پایگاه‌های نظامی روسیه در ارمنستان جمع‌شود. حضور نیروهای امنیتی روسیه در مرزهای ارمنستان با ایران در ترکیه و جمهوری آذربایجان حذف‌شود و سیستم‌های نظامی و امنیتی این کشورها کاملاً روسیه‌زدایی شوند. چنانچه الان به دنبال این هستند که حضور روس‌ها در فرودگاه بین‌المللی ارمنستان را به صفر برسانند و در این رابطه توافق کرده‌اند. بعد از اینکه روسیه حذف‌شود، طبیعتاً زمینه برای حضور نیروهای ناتو به خصوص فرانسوی‌ها در ترکیه که الان پیش‌قارول حضور ناتو در ارمنستان هستند، فراهم خواهد شد. اگر این اتفاق بیفتد، فارغ از امنیت روسیه- که به واسطه پیش‌روی ناتو بیشتر به خطر می‌افتد- ایران هم شرایط بدی را تجربه خواهد کرد، به این دلیل که این حضور باعث خواهد شد ایران بیشتر با ناتو همسایه شود، امنیتش به خطر خواهد افتاد و زمینه‌ای برای ورود نیروهای تجزیه‌طلب، قوم‌گرا، سلطنت‌طلب و نیروهای وابسته به رجوی ایجاد خواهد شد که این مساله می‌تواند برای ایران مشکل جدی ایجاد کند.

از نظر فرهنگی می‌توانند گفتمانی را جا بیندازند که اقوام آذری ایران را همراه و پیوسته با ترک‌های سنی نشان می‌دهد و برای کاهش وحدت سرزمینی و کاهش وحدت ملی در ایران زمینه‌سازی خواهند کرد.

از منظر اقتصادی برنامه‌ریزی‌هایی دارند؛ یکی از این برنامه این است که کریدور میانی یا کریدور ترانس کاسپین را تقویت کنند. دو مسیر را تقویت کنند که از آسیای مرکزی به دریای کاسپین می‌آید. یک مسیر بعد از باکو از گرجستان عبور می‌کند و یک مسیر هم بعد از باکو قرار است از جنوب ارمنستان عبور کند. در صورتی که اینها بتوانند آنجا را تحت‌کنترل درآورند این مسیرها همه به ترکیه ختم می‌شود. اگر این مسیرها جا بیفتد، قاعدتاً عبور مسیرهای کریدوری از چین به اروپا از ایران منفعی می‌شود و کریدور شمال به جنوب ما هم تا حد زیادی خنثی خواهد شد. لذا این اصلی‌ترین مساله‌ای است که باید در مورد این رفت‌وآمد‌ها به آن توجه داشته باشیم.

به نظر می‌رسد پاشینیان امروزه تبدیل به اصلی‌ترین داریبی ناتو در قفقاز شده‌است. با توجه به نظام دموکراتیک کشورهای عضو و همچنین نیاز به ثبات سرزمینی، این کشور نسبت به آذربایجان و گرجستان با مختصات مدنظر ناتو منطبق‌تر است. با توجه به شکست‌های متعدد پاشینیان در میدان جنگ، ضدیت با روسیه- علی‌رغم نفوذ بالای مسکو در این کشور- و همچنین مخالفتش، نخست‌وزیر ارمنستان چگونه همچنان قدرت را در دست دارد؟

موافق نیستم که پاشینیان اصلی‌ترین داریبی ناتو در قفقاز است؛ خیلی قبل‌تر از پاشینیان در گرجستان هم سرمایه‌گذاری جدی‌ناتو را داشته‌ایم. ناتو با آقای علی‌اف هم پده‌وبستان‌های جدی در جریان دارد، منتها شاید این دو مورد با

ظرافت‌های بیشتری عمل می‌کنند و تعاملات‌شان با ناتو را با ظرافت بیشتری

پیش می‌برند اما پاشینیان تاحدودی شتابزده عمل می‌کنند و به‌نظر من تندروی دارد و سیاست‌ورزانه عمل نمی‌کند. به همین جهت بیشتر به چشم می‌آید. مساله دموکراسی هم اصولاً برای ناتو اهمیتی ندارد؛ اصلاً اهمیتی ندارد که ارمنستان دموکرات است یا نیست یا حکومت آذربایجان دیکتاتوری هست یا نه. ناتو به دنبال نفوذ در آن سه کشور، روسیه‌زدایی و حمله به منافع ایران است. این مساله که دموکرات هستند و ثبات دارند یا نه، اصلاً اهمیتی برای این کشورها ندارند و ما باید به این امر توجه داشته باشیم. برای تحلیل اینکه چطور پاشینیان هنوز در قدرت است باید به عوامل مختلف توجه داشته باشیم. یکی از دلایل این است او الگویی را ترویج می‌کند و شعاری را به مردم می‌فروشد که برای مردم اهمیت دارد. این شعار چنین است که «مردم اگر می‌خواهید آرامش، رفاه و رشد اقتصادی داشته باشید، باید به صلح برسیم و آینده ما در ایجاد صلح در قفقاز جنوبی است.» این صلح را او این‌طور جا انداخته باید آن ارضی را واگذار کنیم که جمهوری آذربایجان نسبت به آنها حساسیت دارد و مجدد ترسیم خطوط مرزی انجام شود تا صلح ایجاد شود. او با این شعار و این رویکرد توانست در انتخابات پیروز شود و تا الان هم دوام آورده، یعنی او پیشینیان خودش را در جمهوری ارمنستان آدم‌های جنگ‌طلب، تندرو و بی‌منطق معرفی کرده‌است. مردم نیز از اینکه از ابتدای استقلال ارمنستان تا همین امروز با آذربایجان در جنگ و جدال بوده‌اند، خسته شده بودند. وی با این شعار که ا ما صلح‌کنیم تا رفاه و رشدمان افزایش پیدا کند»، موفق شد رای بیآورد. البته این شعار الان کارایی خود را از دست داده؛ چراکه مردم شاهدند دائماً زمین‌ها درحال واگذار شدن است؛ قره‌باغ کوهستانی را داده‌اند، بخش‌هایی از سرزمین‌های اصلی ارمنستان هم در اشغال آذربایجان است و درد، سه سال گذشته پیش‌روی داشته‌اند و نهایتاً هم صلح حاصل نشده است، لذا از این نظر شعار پاشینیان تضعیف‌شده و باورپذیری‌اش میان مردم ارمنستان کم‌شده است. اما تا امروز با این شعار توانسته پیش‌بیاید. باید این را مورد توجه قرار دهیم که محبوبیت پاشینیان را اساساً نظرشنجی‌ها شاید زیر ۱۰ درصد باشد اما مساله این است که چرا وی دوام آورده است؟ دلیلش فقدان اپوزیسیون قدرتمند، محبوب و قابل‌توجه است. شاید محبوبیت نیروهای اپوزیسیون ارمنستان از ۷ یا ۸ درصد هم کمتر باشد. اپوزیسیون ارمنستان، سابقه فساد اقتصادی، ناکارآمدی و هرج‌ومرج و اقتدارگرایی دارد. عموم مردم و نسل جدید این کشور که دیگر برایشان الگوهایی کمونیستی جذابیت ندارد، با اپوزیسیون قدیم هم ارتباط برقرار نمی‌کنند. علت دوام آوردن پاشینیان به این علت و حمایت غرب است. روسیه هم تا یک‌سال پیش، مخالفتی با او نداشت. کشورهای همسایه نیز اصولاً هیچ‌کدام علاقه‌ای به این ندارند که پاشینیان نباشد. روس‌ها اخیراً به‌خاطر تسریع روند غربگرایی پاشینیان به کناره‌گیری او علاقه‌مند شده‌اند و الا تا قبل از این مخالفتی نداشته‌اند. ایران هم تحرک جدی در این زمینه نداشته و خواسته با دولت رسمی ارمنستان کار کند. آذربایجان با توجه به رویه پاشینیان در سیاست خارجی و تلاش برای صلح، معتقد است اگر پاشینیان برود، دیگر نخست‌وزیری نباید که تا این حد همکاری کند. از این رو خواهان تداوم حضور وی هستند. از منظر شاخص‌های اقتصادی باید اعتراف کرد ارمنستان وضعیت بدی ندارد. علی‌رغم همه مشکلات در سال‌های اخیر رشد اقتصادی را تجربه کرده‌است. روس‌ها به خصوص بعد از این تحریم و جنگ، حضور قوی و خوبی در این کشور داشته‌اند و همچنین حضور هندی‌ها و بعضی کشورهای اروپایی در ارمنستان افزایش پیدا یافته است. رونق اقتصادی کم‌وبیش در این کشور است. در مجموع این عوامل باعث شده‌اند وی ماندگار شود.

وضعیت مخالفان نخست‌وزیر ارمنستان چگونه است؟

حزب، گروه و فراکسیون قابل توجه و قدرتمندی در ارمنستان نداریم. الان در مجلس این کشور کمتر از ۳۰ درصد نمایندگان مخالفند، بیش از ۷۰ درصد نمایندگان با پاشینیان همراهند. این ترکیب با توجه به انتخاب نخست‌وزیر توسط مجلس، فضا را برای این که بخواهند مخالفان تحرک قابل‌توجهی داشته باشند، می‌بندد. در حوزه رسانه واقعیت این است که رسانه‌های اپوزیسیون خیلی طرفدار ندارند و محبوب نیستند و روش‌های اطلاع‌رسانی‌شان خلافتانه نیست. عموم مردم برای کسب اطلاعات از رادیو و تلویزیون دولتی استفاده می‌کنند. در روایت دولت هم عموماً تحلیل‌های مخالف به گوش مردم نمی‌رسد. این واقعیت را باید پذیرفت که مردم ارمنستان عموماً خیلی سیاسی و پیچیده نیستند. انسان‌های مهربان و عمدتاً ساده‌دلی هستند که سرشان به کار خودشان است و می‌خواهند زندگی کنند. آنها خیلی در فضای تحلیل‌های عمیق و پیچیده نیستند. شاید خیلی از چیزهایی که فعالان این حوزه در ایران در مورد فضای عمومی ارمنستان می‌دانند و باور دارند، اصلاً به گوش مردم عادی آنجا نرسیده است. آنها از این فضاهای تحلیلی که من صحبت کردم بی‌اطلاع هستند، لذا اپوزیسیون با توجه به مجموع این مسائل و از نظر منابع مالی هم چندان در وضعیتنی مطلوبی نیست. از طرفی کشورهای همسایه ارمنستان- به غیر از روسیه که شاید این اواخر از دست عملکرد پاشینیان عصبانی شد و شاید بخواهد تحرکات داشته باشد- تحرک خاصی ندارند.

بخش‌های قابل توجهی از اپوزیسیون این ملاحظه را دارند که اگر اینها بیش از

حد فضا را به سمت دوقطبی شدن و تنش، درگیری و ناامنی ببرند و بخواهند با دولت مرکزی درگیر شوند و آشوب از حدی بگذرد، امکان سوء استفاده ترکیه و جمهوری آذربایجان برای حمله ناگهانی و برق‌آسا به جنوب ارمنستان و اشغال استان سیونیک وجود دارد، لذا آنها هم در مخالفت خودشان با توجه به نگرانی‌های امنیتی و نگرانی‌هایی که برای وحدت سرزمینی ارمنستان دارند، تاحدودی دست به عصا و ناراحت و درواقع با تامل عمل می‌کنند.

چند وقتی است صحبت از عضویت ارمنستان در ائتلاف ناتو می‌شود. این صحبت در ایروان چگونه تفسیر می‌شود؟ آیا جبهه قدرتمند ضدناتو در ارمنستان وجود دارد؟

در این مورد که آیا جبهه قدرتمند ضدناتو در ارمنستان وجود دارد، بله. جبهه اپوزیسیون پاشینیان تقریباً همگی و حتی برخی از نیروهای حامی پاشینیان -البته به ندرت- با بحث حضور ارمنستان در ناتو مخالف هستند. متوجه هستند که ناتو اهمیتی به حفظ تمامیت سرزمین ارمنستان نمی‌دهد. به اعتقاد آنها دغدغه و نگرانی ناتو برای حضور در ارمنستان در درجه اول، برای مقابله با روسیه و بعد از آن، ایران است. منتها چون اینها قدرت را در دست ندارند، کار خاصی هم نمی‌توانند بکنند و نشانه‌های اینکه ناتو خیلی اهمیتی به حفظ ارمنستان نمی‌دهد هم آشکار است. ما بارها در سال‌های اخیر دیدیم که صلح‌پان‌ناتو که عموماً مسلح هم نیستند، در منطقه گشت می‌زنند، اطلاعات گشت‌زنی خودشان را به جمهوری آذربایجان می‌دهند برای اینکه اعتماد کنند که ناتو اصلاً در مناطق مورد مناقشه دو طرف حضور پیدا نمی‌کند. در همان مناطقی گشت‌زنی می‌کنند که آذربایجان نسبت به آن ادعایی ندارد؛ یا مثلاً بارها پیش آمده وزارت دفاع ارمنستان اعلام کرده در فلان نقطه درگیری بوده و اینها اصلاً اهمیتی ندادند؛ با اطلاعات دادند که اصلاً درگیری‌ای نبوده است. از نظر تأمین تسلیحات و کمک‌های نظامی هم عموماً سلاح‌هایی که وجود دارد، سلاح‌های دفاعی یا سلاح‌های است که کارایی ندارند. یا این تسلیحات در درگیری‌هایی اوکراین، ناکارآمدی خود را ثابت کرده یا متناسب با نیازهای ارمنستان نیست یا تحویلش در آینده دور (ظرف دو سه سال آینده) اتفاق می‌افتد، به لحاظ تسلیحاتی هم اینها کارهایی که می‌کنند خیلی دردی از مشکلات ارمنستان دوانمی‌کند.

ایران چه ظرفیت‌ها و راه‌های پیش‌روی خود برای جلوگیری از گسترش ناتو در قفقاز دارد؟ آیا در فقدان مشارکت موثر روسیه و چین در این ممانعت، ایران می‌تواند به تنهایی از نفوذ ناتو جلوگیری کند؟

اینکه ایران چه کاری می‌تواند بکند، باید بگویم که ما درمورد آذربایجان و گرجستان خیلی کار خاصی نمی‌توانیم بکنیم؛ به‌خاطر اینکه ۳۰ سال از این دو کشور غفلت کردیم، به خصوص از جمهوری آذربایجان که هم‌مرز ما بوده است. در این کشورها آمریکایی‌ها، صهیونیست‌ها، ترکیه، نیروهای تکفیری، وهابیی و نیروهای تجزیه‌طلب ضد ایران، نفوذ و خانه کردند. ما فرصت را از دست دادیم. خیلی جای پایی در این کشورها نداریم که حالا بخواهیم جلوگیری بکنیم. درمورد ارمنستان که هنوز نفوذ خودمان را حفظ کرده‌ایم و تا حدی امکان برنامه‌ریزی هست، یک راهش این است که ما نیازهای آذربایجان را با طرف بکنیم. یعنی اگر ارمنستان نیاز امنیتی دارد، ما باید کمک کنیم دغدغه‌هایشان رفع‌شود؛ هر نیازی در آن حوزه‌ها دارند و می‌خواهند تمامیت ارضی‌شان را حفظ کنند را تأمین کنیم. اینها به ایران نیاز دارند و ما هم می‌توانیم این نیاز را رفع کنیم. در هم‌تنیدگی اقتصادی ما با ارمنستان باید افزایش پیدا کند. نباید تصور کنیم چون کشور سه میلیونی است، لزومی ندارد ما بازار این کشور را خیلی جدی بگیریم یا تعاملات اقتصادی‌مان را افزایش دهیم. این نکته ظرفیتی است که خیلی از فعالان اقتصادی در ایران به آن توجه نمی‌کنند. اگر ارمنستان برای ایران حفظ‌شود و در توسعه‌طلبی آذربایجان و ترکیه حل نشود، یک سنگر مهم برای جلوگیری از تبدیل کل منطقه قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی به مجموعه کشورهای پازل ناتو و ترکیه است. اگر ارمنستان از دست برود، آن جهان ترکی که مدنظر ترکیه است، شکل می‌گیرد؛ در واقع یک ناتوی ترکی در کنار ناتویی غربی شکل می‌گیرد که محاصره ایران را از منطقه قفقاز تا آسیای مرکزی تکمیل خواهد کرد. لذا باید بفهمیم که چرا حفظ ارمنستان، یک کشور کوچک سه‌میلیونی که در محاصره دشمنانش است اهمیت دارد. ما در هم‌تنیدگی اقتصادی‌مان باید طوری باشد که آنها نیازهای اقتصادی‌شان را از طریق ایران تأمین کنند. این فقط صادرات انواع و اقسام کالا نیست، ما باید حضورمان عمیق شود. مثلاً ایران باید در ارمنستان پتروشیمی بزند، معادن‌شان را استخراج کند؛ در حوزه فرهنگی، آموزش زبان فارسی، تبادلالت فرهنگی، ساخت فیلم و سریال‌های مشترک، تبادلالت دانشگاهی، برگزاری دوره‌های آموزشی و فرهنگی مشترک؛ در واقع ارائه انواع آموزش‌هایی که آنها به آن نیاز دارند، راهگشاست. باید در هم‌تنیدگی اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، علمی، نظامی و امنیتی‌مان با اینها بیشتر شود و این افزایش کمک‌کننده است. ما به تنهایی هم می‌توانیم بدون مشارکت روسیه و چین از نفوذ ناتو جلوگیری کنیم. هر چند صحبت با آنها و ایجاد فهم مشترک خیلی کمک‌کننده است ولی این ظرفیت در

جمهوری اسلامی ایران وجود دارد.

ما به علت دفاعی که از تمامیت ارضی ارمنستان کردیم، محبوبیت داریم. بسیاری از فعالان اقتصادی آنها می‌خواهند با ما کار بکنند. در مجموع این ظرفیت برای ایران وجود دارد. البته ما باید به ارمنستان هشدار دهیم و به آنها بگویم در روابط‌شان با ناتو باید حد‌نگه دارند و ما از این مساله خرسند نیستیم. ولی به‌نظم تعادل و انصاف را هم نباید از دست بدهیم. به هر حال باید توجه بکنیم ارمنستان کشوری است که با مجموعه‌ای از دشمنانش محاصره شده است. به غیر از ما دوستی در کشورهای همسایه‌اش ندارد. حتی گرجستان هم بیشتر در پارز غرب و ناتو بازی می‌کند و بیشتر با ترکیه و باکو همراه است. به خصوص اینکه خط لوله نفت باکو تفلیس-جیحان از این کشور می‌گذرد، شرایط وقتی که این همه دشمن دارد، سعی می‌کند بازیگران دیگری را هم که به هر دلیلی تمایل به حضور در این کشور دارند و حتی کمک و حمایت ظاهری از این کشور می‌کنند را به نفع و به سمت خودش جلب کند. لذا ما ضمن اینکه دغدغه خودمان را درمورد ناتو باید به این کشور منتقل بکنیم، باید از اینکه ارمنستان را از خودمان برانیم و با یک رویکرد افراطی باعث شویم آنها بیشتر به دامان ناتو و غرب بیفتند، پرهیز بکنیم. این ظرافت‌ها را اخیراً رعایت می‌کنیم و به‌خاطر رعایت همین ظرافت‌هاست که هم دبیر شورای امنیت ملی ارمنستان و هم نخست‌وزیر این کشور مورد اهمیت روابط با ایران صحبت کردند و تصریح هم کردند که روابط با ناتو باعث نمی‌شود که ارمنستان طوری رفتار کند که منافع و امنیت ایران به خطر بیفتد و میان اینها تمایز قائل می‌شود و فاصله‌گذاری می‌کند و دغدغه‌های ایران را در نظر می‌گیرد. درواقع اینکه ما نباید طوری رفتار بکنیم که هشدارمان به ارمنستان، عملاً در پارز ترکیه و آذربایجان معنا شود؛ آنها نباید بتوانند ما را علیه ارمنستان تحریک کنند. ما باید دغدغه‌هایمان را منتقل کنیم و در عین حال روابط حسنه‌مان با این کشور را حفظ کنیم که این کشور را هم نگه داریم تا ترکیه و ناتو ترکی، به‌طور کامل شکل نگیرد.

روسیه به دلیل جنگ اوکراین تضعیف‌شده و به همین میزان قدرتش در قفقاز نیز کمرنگ‌شده است. با این حال چین که دارای قدرت قابل توجهی است، با برخی از طرح‌های منطق بر سیاست‌های ناتو و پان‌ترک‌ها همراهی کرده است. این همراهی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ما خیلی برای اینکه چینی‌ها را توجیه کنیم فعالیت خاصی نداشتیم. یعنی دستگاه‌های فعال ما در حوزه سیاست خارجی در حوزه مسائل نظامی و سیاسی امنیتی و حتی فرهنگی چینی‌ها را توجیه نکردند که ولایتگی بیش از حد اینها به کریدور میانی ترانس خزر در آینده می‌تواند چه خطراتی برایشان داشته باشد. صدای ما خیلی به گوش اینها نرسیده است، بنابراین وقتی نمی‌دانند، طبیعتاً نمی‌توان انتظار هم داشت. چینی‌ها ناگران محاصره دریایی توسط کمربندی هستند که هند و آمریکا با همراه کردن کشورهای آسیای جنوب شرقی و استرالیا می‌خواهد به دوشان عملیاتی کنند. مسیر دریایی انتقال کالای چین، امنیت کافی ندارد. یعنی غرب می‌تواند امنیت این مسیر را به چالش بکشد. روسیه که مسیرش به‌خاطر تحریم بسته است. یک مسیر برایشان مانده و آن هم مسیر آسیای مرکزی است. از آن طرف هم باید توجه داشته باشیم ما به فرض هم بخواهیم امنیت مسیرهای کریدوری زمین‌شان را از طریق ایران طراحی بکنند و بی‌ریزی کنند، باید به این توجه داشت که ما مسیرهایمان کامل نیست. مثلاً چینی‌ها به فرض بخواهند از مسیر افغانستان یا ترکمنستان وارد ایران شوند. آیا شبکه ریلی ما کامل است؟ آیا ظرفیت برنامه ما برای بارگیری مناسب است؟ آیا ما بنادرمان در دریای کاسپین را لایروبی کرده‌ایم؟ آیا از هرات به داخل ایران یا از مرز اینچه‌برون به داخل ایران مسیر ریلی ما کامل است؟ یا ریل‌های قدیمی ما غیر از حمل مسافر، ظرفیت حمل بار در ابعادی که چینی‌ها می‌خواهند را دارد؟ یا ما لوله برای انتقال نفت و گاز داریم؟ ما وقتی ظرفیت‌سازی نکردیم، نمی‌توانیم چینی‌ها را با خودمان همراه کنیم. در واقع کشورهای آسیای مرکزی و چین نیازهایی در حوزه اقتصادی دارند ولی ما نمی‌توانیم نیازهایشان را برطرف کنیم. پس نمی‌توانیم اینها را همراه بکنیم. وقتی توانیم نیازهایشان را برطرف کنیم چاره‌ای ندارند جز اینکه بروند به سمت استفاده از کریدور ترانس کاسپین. واشنگتن این کریدور را با هدف اینکه از طریق این کریدور به مرزهای چین برسند و امنیت ملی آنجا را به خطر بیندازند و از اوغورها برای تجزیه‌طلبی استفاده کنند و نبض اقتصادی چین را در دست بگیرند، طراحی کرد. با این کریدور، آمریکا هر وقت خواست می‌تواند چینی‌ها را از منظر اقتصادی تحت فشار بگذارد. لذا ما باید با چینی‌ها کار کنیم؛ توجیه‌شان کنیم و همراهی‌شان را جلب کنیم و واقعیت را بهشان بگویم. اگر این کار را نکنیم، از آن طرف اگر چینی‌ها برای سرمایه‌گذاری در ایران مشکل داشته باشند، قاعدتاً نمی‌توانیم امیدوار باشیم که آنها بیایند در زمینی بازی کنند که به نفع ما و خودشان نیست. حل این مشکلات همراهی و همدلی جدی را می‌طلبد. لازم است دستگاه‌های مختلف ما هماهنگ بشوند و فهم مشترک پیدا کنند. ما از این دور هستیم و تا وقتی که در این زمینه فکر اساسی نکنیم امید ی به حل مشکلات فعلی وجود ندارد.

فرهیختگان

جهان‌شهر

یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۳

شماره ۴۱۱۲

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGADAILY

۱۵